

🗨 **گفت‌وگو**  
سجاد آذری

هفته‌گذشته عبدالحسین خسرو پناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی دلیل فرار مغزها را «فرام نگردن بستر حفظ نخبگان» دانسته‌بود، به منظور بررسی روش‌های فرام کردن این بستر و آسیب‌شناسی مسائل نخبگان و سیاست‌های اتخاذشده در خصوص آنها با یوسف عزیزی، پژوهشگر سیاستگذاری عمومی – دولتی دانشگاه ویرجینیا تک‌امریکا گفت و گویی داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.

🗨🗨🗨

**با توجه به صحبت‌های اخیر دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد مهاجرت نخبگان، اصلا نخبه به چه کسی گفته می‌شود و آیا همه افرادی که مهاجرت می‌کنند، نخبه هستند؟**

نخبه در دنیا یک تعریفی دارد و حداقل از آقای خسرو پناه انتظار می‌رود که این لفظ را در اینجا به کار نبرد. نخبه تعریف روشنفکر در جوامع توسعه یافته است. این افرادی که از ایران در حال مهاجرت هستند به نام متخصصان، دانشگاهیان یا محققان شناخته می‌شوند، کسانی که دارای مهارت‌های ویژه‌ای هستند یا در یک لفظ دیگر اباهاوش یا بااستعداد هستند.

**خب استفاده لفظ نخبه برای این افراد چه اشکالی دارد؟**

نخبه یا آن گروه روشنفکر کسانی هستند که نسبت به هويت خود، جامعه، کشور و ملیت شان آگاهی بالایی دارند، بحث‌های تاریخی و جغرافیایی را خوانده‌اند و از فلسفهٔ تاریخی چیزی می‌دانند اینکه نسل‌های پیشین‌شان از چه دالان‌های تاریخی گذشته‌اند تا به اینجا رسیده‌اند، چه ظرفیت‌هایی در جامعه وجود دارد، می‌شناسند. اینکه جامعه چگونه می‌تواند توسعه پیدا کند، می‌دانند. ارزش‌های جامعه را می‌شناسند البته منظور صرفاً بحث‌های ارزشی که در ایران داریم، نیست. ارزش‌هایی در دنیا وجود دارد و نخبه کسی است که نسبت به اینها آگاهی داشته‌باشد و بیشتر از اینکه به فکر منافع شخصی خودش باشد، نسبت به آن حرکت ملی و اجتماعی خودش آگاه باشد، بنابراین استفاده از لفظ نخبگان برای کسی که در کشور رتبه بالایی گرفته یا یک استعداد خاصی در حوزه علوم طبیعی داشته، خودش یک ظلم بزرگ است.

حال ما گفته‌ایم یکسری از افراد باهوش مخصوصاً در حوزه علوم طبیعی نمی‌کنند، اما نخبه تست می‌زنند، رهایی می‌گیرند و می‌فهمند ما هم به آنها فرمول‌ها را می‌گوییم و برای آنها مدرسه استعداد‌های درخشان می‌گذاریم و آنها را نخبه می‌نامیم.

خب این فرد اینگونه شناسایی و برای موفقیت هدایت می‌شود.

شما لفظ نخبه را به یک بچه دبیرستانی یا حتی دبستانی می‌گویید و به او می‌گویید تو از همه بالاتری و همه از جامعه، خانواده، حکومت، دوستان و بچه‌های محل باید برای تو کار کنند و تو را تقدیس کنند، باید قدر تو را بدانند و برای تو امکانات فراهم کنند، تأثیر معیوبی دارد. اگر به کشورهای توسعه‌یافته که از نظر مانیچگان دیگر کشورها را جذب می‌کنند، نگاه کنید هیچ کدام اینس کارها را انجام نمی‌دهند؛ یعنی کل فلسفه‌ای که ما در حوزه سیاست‌های نخبه‌پروری در مدرسه، وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش عالی و بنیاد ملی نخبگان داریم، غلط است. ما داریم راه را بر عکس طی می‌کنیم. در حالی که در جوامع غربی نهادهی از حکومت، حاکمیت، بخش عمومی یا حتی خصوصی هر ساله در حوزه‌های مختلف علوم، فناوری‌ها، مسائل اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی، درخواست پروپوزال می‌کنند و اگر شما در یک زمینه‌ای متخصص شوید، مثلاً هر سال صد موضوع مهم در حوزه‌های مختلف دارند که شما می‌توانید در این خصوص پروپوزال ارائه بدهید و فردی که درس خوانده و تجربه دارد، پروپوزالی ارائه می‌کند که می‌تواند به جامعه خود یک خدمتی در طول چند سال ارائه دهد.

فرد پول، امکانات و عناوین بسیار زیادی را در ازای خدمتی که به جامعه خود می‌کند، می‌گیرد، اما در کشور ما به افراد با بچگی به اسم اینکه استعداد دارند، امتیاز می‌دهند و توقع دارند این فرد در برابر سختی‌ها و رقابتی که در اجتماع می‌آید، کار انجام دهد، نه او می‌گوید شما همیشه باید برای من امکانات فراهم کنید و من در هیچ رقابتی نمی‌خواهم شرکت کنم، چون من یک استعدادی دارم، اما بگذریم که نتایج چندینی که آمده‌شوند در این زمینه قرار دارند. دانشجویان برق شریف یا دیگر دانشگاه‌های برتر و همچنین دانشجویان رشته پزشکی از خانواده‌های ثروتمند هستند و حتی برای مدارس استعداد درخشان خانواده‌ها قبل معلم خصوصی می‌گیرند تا بچه‌ها در این مدارس قبول شوند.

**در مجموع می‌گویید از افرادی که استعدادی دارند، نباید حمایت شود؟**

بحث این است که سیاست‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور به سمتی رفته که حتی این گروهی که ما درباره آنها صحبت می‌کنیم، لزوماً افرادی نباشند که استعداد طبیعی هم دارند و فضا به این سمت رفته که خانواده‌های ثروتمند در این زمینه قرار می‌گیرند. حالاً در مورد این‌هم بحث نمی‌کنیم که این آزمون‌ها مقدر تعیین‌کننده است و آیا واقعاً می‌توانیم استعدادها را در سراسر کشور سنجیم یا نه.

نکته‌ای که باید بدانیم این است که صرفاً به



## جامعه

سرویس اجتماعی ۹۰۸۴۹۸۴۰

# سیاست‌های نخبه‌پروری ما غلط است

**آسیب‌شناسی نخبگان و سیاست‌های نخبه‌پروری در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی از دانشگاه ویرجینیا تک‌امریکا**



ایمان همی خواه امهر

و در کشورهای پیشرفته نیز موقعیت شغلی زیادی در این خصوص وجود دارد، مثلاً کانادا یا استرالیا را نگاه کنید، عملاً کشورهای پنهان‌و منابع طبیعی و امکانات جغرافیایی بسیار بالاست که جمعیت کمی دارند مثلاً کانادا حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد و طبیعتاً مهاجرپذیر هستند و نیروی کار می‌خواهند، مخصوصاً چون بیشتر کار برابرداند در حوزه‌های تک و بحث‌های تحلیل داده و آمار نیاز به چنین نیروهایی دارند، البته در سایر حوزه‌ها مانند آرایشگری یا پرستاری هم می‌خواهند.

**چرا خود غربی‌ها در این رشته‌ها تحصیل نمی‌کنند؟**

نظام آموزشی در کشورهای غربی مخصوصاً امریکا و کانادا به این شکل است که وقتی می‌خواهید لیسانس یا حداکثر فوق لیسانس بگیرید، چون هزینه‌های دانشگاه سنگین است، معمولاً باید یک وام دانشجویی بگیرید و در نتیجه اکثر بعد از لیسانس یا فوق لیسانس هستند که این وام را برای استشنا نیست، شما موجب می‌شود مدیران اجرایی مشکلات آموزش و پرورش، آموزش عالی و مشکلات ساختاری از پشت و پرتین دو تا مدرسه استعداد درخشان و مدال المپیک مخفی کنند.

البته از مشکلات دیگر در حوزه حکمرانی نیز این است که افراد تخصصی که مثلاً در حوزه چشم پزشکی قریه یا در حوزه مهندسی خاصی برای راه‌اندازی یک تئیرگاه یا به عنوان اینکه نخبه هستند در جایگاه‌های مدیریتی و سیاستگذاری می‌گذارند و فکر می‌کنیم این گروه نخبه هستند و جایشان آنجاست در حالی که این اشتباهات فهمی و ساختاری است که در کشور ما به وجود آمده و بسیاری از اینها نیز به زمان رژیم گذشته باز می‌گردد که متأسفانه هنوز هم ادامه‌دهنده آن هستیم.

**این مهاجرت به قول شما متخصصان، محققان یا افراد دانشگاهی فقط مخصوص ایران است؟**

خیر، این یک روند جهانی است ما به خاطر شرایطی که در داخل داریم و تبلیغاتی که رسانه‌های مختلف در مورد ما انجام می‌دهند و به دلیل برخی کج‌فهمی داخلی و غرض‌های خارجی تصور می‌کنیم که ایران در این مسئله استثنا است، در حالی که تمام داده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد ایران استثنا نیست. شما وقتی داده‌های امریکا یا داده‌های جهانی را در مسئله مهاجرت پزشکان، متخصصان، افراد دانشگاهی حتی نسبت به جمعیت کشورها یا نسبت به جمعیت همان گروه دانشجویان، متخصصان و پزشکان نگاه کنید، می‌بینید که این روند جهانی است و نه تنها صرفاً از کشورهای در حال توسعه با شرایطی شبیه ما مانند هند، پاکستان، بنگلادش حتی از کشوری مانند کلمبویی یا مکزیک که با امریکا روابط خوبی دارند و توسعه خود را مرهون سرمایه‌گذاری امریکا هستند، شاهد چنین روندی هستید. مثلاً بسیاری از دانشجویان دکتری مکزیکی در حین تحصیلی یا بعد از فراغت از تحصیل به امریکا مهاجرت می‌کنند و به کشور خود باز نمی‌گرد.

**خب چرا این اتفاق می‌افتد؟**

در کشورهایی مثل ما اولاً نیروی جوان بسیاری وجود دارد و مانند اوایل دهه ۶۰ که یک جمعیتی خود را در اوایل دهه ۸۰ نشان داد این مسئله جوانی جمعیت در کشورهای مانند هند، پاکستان، چین و دیگر کشورهایی این چنین وجود دارد. اکثراً بحث آموزش در دوره مدرسه در این کشورها خوب است و مخصوصاً اینکه تأکید این کشورها روی حوزه ریاضی و فیزیک و آموزش فرمول‌ها بسیار بالاست، در حالی که در مدرسه‌های کشورهای پیشرفته کار تیمی، تاریخی‌گشور و مسائلی را که موجب یک تحلیلی انتقادی، گفتمانی و تقویت گفت و گو شود، خیلی خوب یاد می‌دهند. بچه‌هایی که در کشورهای مثل ایران تربیت می‌شوند، از نظر توانایی کار و مهارت ریاضی نسبت به کشورهای پیشرفته قوی‌تر هستند

## جوان

می‌دهند و صرفاً زشتی‌ها و بدی‌های کشورهای ما در تصویر کشیده می‌شود، مثال ساده آن را هم در حوزه هنر می‌بینید. در جشنواره اسکار و مانند آن فیلم‌هایی از کشورهایی مثل ما جایزه می‌گیرند که زشتی‌ها، قسمت‌های تاریک و بد و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور را نمایش دهند که البته فقط منحصر به کشور ما نمی‌شود و دیگر کشورهای در حال توسعه را نیز در بر می‌گیرد، ولی در همان جشنواره‌ها فیلم‌ها و کارگردان‌هایی از کشورهای پیشرفته جایزه می‌گیرند که بگ نماد، ویژگی، یک آینده‌نگری و یک چیز خیلی خاصی را از کشورهای غربی به نمایش می‌گذارند.

**مثال‌هایی در این رابطه دارید؟**

مثلاً جنگی مانند جنگ جهانی دوم را که در آن پیروز شده‌بودند، روایت کنند البته مستند در مورد مشکلات کشورهای غربی هم هست، ولی این مستندها نمی‌توانند جوایز اسکار و دیگر جشنواره‌ها را بگیرند، بنابراین این نکته وجود دارد که یک حجمه روانی شدیدی روی کشور ما از نظر اخبار مختلف اقتصادی که مشخص است تحریم روی آن تأثیر دارد، مهم است. مشکل اصلی مشکل ساختارها و سیاستگذاری‌های داخلی است که مخصوصاً در دهه‌های اخیر به بیرامه رفته و این موجب عدم‌ثبات اقتصادی کشور ما شده که یک مثال آن بی‌ارزش شدن یا بی‌ارزش کردن پول ملی است و این مسئله تأثیر روانی بسیار شدیدی را روی جامعه داشته که خیلی از مواقع دانشجویان غربی به خاطر که جامعه‌نخبگان از من حمایت می‌کنند با طرح تحول سلامت، افزایش حقوق اعضای هیئت علمی یا زشکانی که بسیار بالاتر از فته‌های دیگر حقوق گرفتند، ولی نتوانستند دل این افراد را به دست بیاورند و از خروج آنها جلوگیری کنند. مشخص است که این بی‌ارزش شدن مداوم پول ملی که خودش در عدم‌ثبات اقتصادی تأثیر دارد، روی روح و روان افراد تأثیر بسیار بسزایی دارد و حتی اگر درون خرید، امکانات و مواردی اینجینسی را برای جامعه متخصصان حفظ کنید ولی همین بی‌ارزش شدن مداوم پول ملی موجب می‌شود این افراد به فکر خروج از کشور بیفتند.

نکته نهایی که اینجا اهمیت دارد، روندهای استخدام شدن افراد است. تفاوتی که من در زمان تحصیل خودم در ایران و خارج دیدم، این بود که در غرب در دوره کارشناسی واقعاً می‌خواهند شما برای وارد شدن به بازار کار، به روش‌ها مختلف آماده شوید، یعنی به جز درسی که می‌گیرانید، مشاوره‌های مختلف آموزشی و شغلی را بد یاد افرادی هستند که به شما می‌گویند چطور باید سابقه کاری بنویسید، سابقه شما باید چه چیزهایی داشته باشد، سؤال می‌کنند دوست دارید در چه بخشی وارد کار شوید و برای این شغل‌ها چه مهارت‌هایی را باید خودشان جذب کنند و چالب است شبکه می‌کنند به فارغ‌التحصیلانی که در آن بخش در دانشگاه‌ها مشغول به کار می‌شوند. در کنار آن شما را به بازار کار با یک مهارتی یاد بگیرند و وارد بازار کار شوند، رفته‌اند یا نه. آیا این نکته وجود دارد که رشته‌های حقوق، قانون اساسی، اجتماع، فلسفه و تاریخ برای آنها مهم است و یا اینها توانسته‌اند کشور خود را در مسیر درست بیندازند یا نه. و اینکه ما صرفاً بیابیم مهندس، پزشک و مانند آنها تربیت کنیم و آنها را هم به عنوان اینکه نخبه هستند در کارهای سیاستگذاری مشغول به کار کنیم درست است و بعد وضعیت کشور در حوزه توسعه مشکل داشته باشد، البته من دیدم خود آقای خسرو پناه هم گفته بودند ما نیازمند ایجاد دانشکده‌های حکمرانی به شکل تخصصی و موضوعی البته در بخش دکتری هستیم که این نکته بسیار مهمی است.

**تأثیر هجمه روانی روی جامعه بر مسئله روند مغزها چیست؟**
این هجمه از قبیل بود و در سال‌های اخیر با ایجاد شبکه‌های جدید وابسته‌ای که مخصوصاً در انگلیس و امریکا وجود دارند ۲۴ ساعت روی روح و روان مردم ما می‌رود، بعضی از آنها نیز متأسفانه داخلی است و توسط رسانه‌ها و اساتید دانشگاه‌های داخلی در باغ سبزی از کشورهای پیشرفته و ندیای غرب نشان می‌دهند و موضوعی البته در بخش دکتری هستیم که این نکته بسیار مهمی است.

**مهم‌ترین مسئله برای دانشجوی غربی چیست؟**
مهم‌ترین مسئله برای آنها کار و داشتن یک شغل خوب است که بتوانند تجربه کسب کنند، وام‌هایشان از جمله وام‌های دانشجویی، خانه و خودرو را بدهند و با همه اینها اینکه صرف‌د که بخواهند دکتری بگیرند، یک مسئله مهم است. در غرب دانشجوی دکتری نسبت به کسی که کار دارد، حقوق خیلی کمتری می‌گیرد و دانشجوی دکتری اگر بتواند جذب شود، یک مزه‌زنه بگیرد یا اگر دانشگاه بخواهد او را تأمین کند، یک حقوق خیلی کمتری می‌گیرد نسبت به کسی که بیرون کار می‌کند، بنابراین دانشجوی

## استولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۰۰

مثنوی معنوی بستان حکایات‌هاست؛ از جمله حکایت مردی که در بازار عطر فروشان، ناگاهان بر زمین می‌افتد، بیهوش می‌شود.

مرد دم دور او جمع می‌شوند، یکی نبضش را می‌گیرد، دیگری گلاب به صورتش می‌پاشد، سومی عود و عنبر می‌سوزاند... اما اینها سودی نداشت، حال مرد بدتر و بدتر می‌شود!

اتفاقاً گذر برادرش به بازار عطاران افتاد، او را بیهوش نقش بر زمین می‌بیند. قدری سرگین متعفن سگ می‌آورد. جلوی بینی برادر می‌گیرد، وی را به هوش می‌آورد... آنگاه از شگرد کار خویش می‌گوید:

– برادر من دباغ است. به بوی تعفن عادت دارد و از بوی عطر بیهوش می‌شود!

حکایت مردمانی است که به فرهنگ نازل خو کرده‌اند، از آثار اصیل و هنر والاگر بزانند! خوانند کتابی عالی، تماشای فیلمی ممتاز؛ یا شنیدن نوابی اصیل، هشیارشان نمی‌کند، که هیچ... به خلسه‌ای دباغ‌عق ما بانه فرو می‌برد!

## نگارخانه

زهرآچیزی

### تکریم یتیم

رئیس جمهور: مراقب باشید کودکان یتیم تحقیر نشوند

**ادامه از صفحه اول**

این مسئله ممکن است به لحاظ روحی و روانی برای این بچه‌ها سنگین باشد و آنها را با چالش مواجه کند. همچنان که برای پدر و مادرها هم خوشایند نباشد هر کسی بداند فرزندشان فرزند بیولوژیکی آنها نیست و فرزندخوانده است. رفق این بچه‌ها با خودها هم سخت نیست و می‌شود برایش راهکارهایی را در نظر گرفت.

**پیشنهاد رئیس‌جمهور برای رفع مشکل هویتی**

**فرزندخوانده‌ها**

روز گذشته سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در مراسم گرامیداشت هفته بهزیستی و همایش تجلیل از خانواده‌های فرزندپذیر در سالن اجلاس سران با تأکید بر حمایت علی‌الادام سازمان بهزیستی و وزارت رفاه از کودکان بدون سرپرست و دارای معلولیت، برخی نگرانی‌ها و دغدغه‌های خانواده‌های فرزندپذیر به خصوص در زمینه اسناد هویتی کودکان را از نکات دارای اهمیت برشمرد.

از نگاه رئیس‌جمهور در تهیه شناسنامه و تنظیم اسناد هویتی برای این کودکان و خانواده فرزندپذیر نباید به نحوی عمل شود که آنان احساس تحقیر کنند، بلکه باید اسناد به شکلی تنظیم شود که مشکلی برایشان ایجاد نشود. وی در این زمینه پیشنهاد داد کارت شناسایی کودکان بدون سرپرست با کد گذاری و تهیه اسناد پشتوانه‌ای تسهیل شود، به‌طوری که در اسناد هویتی مورد نیاز دستگاه‌های شناسایی و سهولت صورت گیرد، اما در اسناد هویتی که در اختیار خانواده‌ها و فرزندان قرار می‌گیرد، توجهات لازم به نیازهای آنان صورت گیرد تا مشکلی برای آنها پیش نیاید. آیت‌الله رئیسی پیشنهاد داد در اسنادی که در اختیار کودک و جامعه است، این کدها مشخص نباشد و صرفاً برای خانواده و در اسناد رسمی تعریف شود.

**حمایت از خانواده‌های فرزندپذیر**

آیت‌الله رئیسی با تأکید تسهیل فرآیند فرزندخواندگی در دولت سیزدهم گفت: «در این دولت پذیرش فرزند برای خانواده‌های متقاضی تسهیل شد تا بدون سازوکار اداری پیچیده و وقت‌گیر، این کار انجام شود به طوری که شیرخوار گاه آمنة به سرعت توانست کودکان را به دست خانواده‌های داوطلب بسپارد.» وی وظیفه دولت را حمایت از مؤسسات نگهداری از کودکان بی‌سرپرست دانست و گفت: «باوجود همه زحماتی که در این مؤسسات می‌کنند، مؤسسه جای نگهداری کودکان نیست؛ جای نگهداری کودک کانون پر مهر خانواده است.»

رئیس‌جمهور با طرح شعار «حمایت از دولت، مراقبت از خانواده‌ها» برای تسهیل مسائل مربوط به خانواده‌های فرزندپذیر گفت: «قدم ارزشمند و قابل تقدیر خانواده‌های فرزندپذیر برای مراقبت از کودکان حتماً باید برای حمایت دولت، سازمان بهزیستی و خیرین همراه باشد که این خانواده‌ها به دلیل مسائل مالی و حقوقی دچار مشکل نشوند.» آیت‌الله رئیسی با بیان اینکه توجه به معلولان نباید به روزهای نامگذاری‌شده برای تکریم آنها خلاصه شود، تصریح کرد: «نامگذاری این روزها به شکل نام‌نیدن صورت گرفته و باید در طول سال این کمک، مساعدت و توجه به این کودکان و خانواده‌های فرزندپذیراستمرار داشته باشد.» آیت‌الله رئیسی همچنین ضمن تأکید بر حمایت از خانواده‌های فرزندپذیر گفت: «در عین حضور حتماً باید برای مراقبت از کودکان، حمایت دولت، سازمان بهزیستی و مؤسساتی که خیرین در آنجا فعال هستند، باید وجود داشته باشد تا به خانواده‌ها کمک شود و نباید خانواده‌های فرزندپذیر را رها کنیم.» رئیس‌جمهور نیزساز برخی خانواده‌های فرزندپذیر به کمک مالی و حقوقی و نیز کمک‌های مورد اشاره قرار داد و افزود: «حتماً باید همواره این کمک از سوی دولت وجود داشته باشد.»

**تلاش بیشتر برای توانمندسازی معلولان**

رئیس‌جمهور با قدرتی از اقدامات تجم‌شده در سازمان بهزیستی برای رسیدگی به نیازهای خانواده‌های تحت پوشش، بخش دیگری از وظایف این سازمان را توانمندسازی بیشتر معلولان به ویژه در زمینه اشتغال و تهیه مسکن عنوان کرد. آیت‌الله رئیسی گفت: «تأمین اشتغال و مسکن کسانی که دارای معلولیت ذهنی هستند، مهم است و باید تسهیل شود؛ البته تأکید بر رشد خوبی در این دو بخش شده بود، ولی باید هم نیاز بیشتر دارد.» رئیس‌جمهور همچنین گفت: «قدرت در زندگی، توجه به نقاط را مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد: «مناسب‌سازی ادارات و سازمان‌ها و مراکز و مدارس نیازمند کار جدی دستگاه‌است.»

**برنامه‌ریزی برای پیشگیری از معلولیت‌ها**

آیت‌الله رئیسی گریزی هم به مسئله پیشگیری از معلولیت‌ها زد و با بیان اینکه سازمان بهزیستی، وزارت رفاه و همه دستگاه‌ها باید در کنار پیشگیری از معلولیت تلاش کنند، اظهار داشت: «این بدان معنا نیست که برخی فقط با احتمال اینکه ممکن است طفل معلولیتی جسمی پیدا کند، سقط جنین را تجویز کنند، زیرا این کار قتل نفس است. سقط جنین در مواردی که با بررسی‌های دقیق قطعی باشد، انجام می‌شود.» وی در ادامه تصادفاتی را که منجر به معلولیت می‌شود، مورد اشاره قرار داد و افزود: «قدرت در زندگی، توجه به نقاط حادثه‌خیز در جاده‌ها، کاسته‌شدن از تصادفات می‌تواند معلولیت‌ها را کاهش دهد.»

آیت‌الله رئیسی با تأکید بر انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از معلولیت‌های جسمی، تأمین اقلام مورد نیاز افراد دارای معلولیت جسمی با کمک دولت را به دستگاه‌های مسئول یادآور شد.

رئیس‌جمهور همچنین گفت: «نکته مورد توجه آن است که بهزیستی ما باید اجتماع محور و خانواده‌محور باشد به طوری که برای اینکه افراد به بهزیستی مراجعه کنند، بهزیستی به خانواده‌ها هم برآید.»